

یکی از بزرگان زرنج به افتخار حضور هیئت ایرانی و خاصه معتمدین سیستان، مهمانی ترتیب دادند که هر دو تیم ایران و افغانستان و والی نیمروز در آن حضور داشتند؛ این کار باعث شکل‌گیری رابطه‌ای خودمانی شد که بسیاری از گاردهای دوطرفه شکسته شد

صحبت‌هایی که انجام می‌دادند، قول و وعده‌شان این بود که حتماً اگر حداقل بارندگی در حوزه‌های ابریز و پایین دست سد کجک اتفاق بیفتد که بتواند خشکی بستر رودخانه هیرمند را از بین ببرد، جذبی که می‌خواهد در بستر رودخانه شکل بگیرد از آب سیلاب اتفاق بیفتد، بعد در ادامه اگر سیلاب پاسخگوی میزان آب ایران نباشد، آب را از سد کجک رهاسازی کنند تا آبی که در بستر رودخانه‌ها هدر می‌رود، به حداقل برسد. چراکه الان با توجه به میزان آبی که در پشت سد کجک وجود داشت، برآورد همه عزیزان این بود که باید حجم زیادی از آب پشت سد کجک یعنی بیش از نیمی از حجم سد باید رهاسازی بشود که بین ۵۰ تا ۱۰۰ میلیون مترمکعب آب به ایران برسد.

خب قطعاً خشکی بستر رودخانه در تلفات آب تأثیرگذار است. گرمای این فصل در تبخیر آن بسیار تأثیرگذار است. برداشت‌هایی که مردم افغانستان در طول رودخانه خواهند داشت با توجه به خشکی مفرطی که مخصوصاً در استان نیمروز است، تأثیر دارد. مطمئناً مردم برای برداشت آب تلاش بیشتری نسبت به گذشته خواهند کرد و این حجم آب را گسترش خواهد داد و خود سازه سد کمال خان یا بندهایی که پایین دست سد کمال خان هستند مثل تلاقی نهر لشکری، قطعاً جریان حرکت و شدت جریان آب را به سمت ایران کند خواهد کرد. به همین دلیل باید یک سازوکاری طراحی شود که تلفات آب و عواملی که حرکت آب را به سمت ایران کند می‌کنند، به حداقل برسد. یکی از پیشنهادها خود طرف افغانی این بود که امسال بارندگی‌های پاییزی سریع‌تر و بیشتر از گذشته خواهد شد؛ یعنی زمانش زودتر اتفاق خواهد افتاد و این بارندگی‌ها کمک می‌کند که حبابه ما را برداخت کنند.

بعد از کمال خان، کانال‌های انحرافی زیادی زده شد. شما شاهداتی داشتید؟

متأسفانه علی‌رغم تقاضای هیئت ایرانی، موفق نشدیم این قسمت‌ها را ببینیم. حتی ما از مجاورت نهر لشکری که به سمت چهاربرجک حرکت می‌کردیم، آنجا درخواست کردیم که فاصله زیادی تا محل تلاقی نهر لشکری و رودخانه هیرمند نداریم و یک بازدید هم از آنجا داشته باشیم؛ ولی متأسفانه ممانعت به عمل آمد و بازدید از پایین دست کمال خان انجام نشد.

قضیه بازدید از دهر اوود چطور؟

روز اولی که وارد نیمروز شدیم، ما می‌خواستیم از دهر اوود بازدید کنیم. می‌دانستیم که در آن فصل از سال میزان آب رود به حداقل رسیده؛ اما هدف این بود که بعد از ۲۰ سال و اندی این بازدید انجام شود. به دلیل مقاومت‌هایی که از طرف تیم افغانستانی انجام شد، این بازدید عملی نشد. حتی عزیزان ما در کمیساران می‌گفتند: «در طول این مدت، حدود چهار بار درخواست بازدید از ایستگاه دهر اوود را داشتند؛ اما دولت‌های گذشته افغانستان زیر بار این قضیه نرفته‌اند».

برای ما هم این اتفاق افتاد. روز اول ملاقات و مقاومت‌هایی داشتند؛ اما بعد از ایجاد روابط اجتماعی بین دو ملت، خیلی از مسائل را می‌توان حل کرد. یکی از بزرگان زرنج به افتخار حضور هیئت ایرانی و خاصه معتمدین سیستان، مهمانی ترتیب دادند که هر دو تیم ایران و افغانستان و والی نیمروز در آن حضور داشتند؛ این کار باعث شکل‌گیری رابطه‌ای خودمانی شد که بسیاری از گاردهای دوطرفه شکسته شد. از این جهت آنها هم تعدیل‌هایی در برنامه‌هایشان داشتند؛ مثلاً بعد از اینکه به قندهار رسیدیم، از دور رودخانه اطراف قندهار بازدید کردیم و بنا بر این شد که هیئت ما بازدید از دهر اوود هم داشته باشد. با توجه به بُعد مسافت زیاد و نبود زمان کافی، قرار شد با بالگرد این مسافت پیموده شود و از آنجا که ظرفیت بالگرد محدود بود، فقط مهندسین ما به همراه معاون محترم استاندار سیستان و بلوچستان با تعدادی از دوستان افغانی به بازدید از دهر اوود رفتند. متخصصین ما رود آنجا را هم بررسی کردند که آمارها خیلی تفاوت نداشت.